



اثری رجالی از میراث شیعیان حلب

پدیده‌آورده (ها) : مطهری، مصطفی

علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزہ :: زمستان 1389 - شماره 1

از 122 تا 134

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/867367>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث

تاریخ دانلود : 06/08/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اثری رجالی اثر میراث شیعیان حلب سید مصطفی مطهری

چکیده

اگر چه گاه در اثر حوادث گوناگون، برخی آثار بزرگان شیعه از میان رفته است، با این همه، اجزایی از آن در میان آثار علمی نویسندگان اهل سنت بیان شده است؛ از جمله این آثار، اثری رجالی از شخصیت علمی و توانا از سرزمین حلب است که اصل آن نیست؛ اما، اجزایی از آن در میان کتاب «لسان المیزان» ابن حجر عسقلانی ذکر شده است؛ این اثر که تألیف «علی بن الحکم» از عالمان قرن ششم هجری است، کتاب‌شناسان به اشتباه، به فردی همنام نسبت داده‌اند که فاصله‌ی آن‌ها، حدود سه قرن است. در این نوشتار، سعی شده این مدعا اثبات شود و در کنار معرفی مؤلف، اثر رجالی وی جمع‌آوری گردد، تا گامی دیگر در کشف میراث علمی شیعه در حلب برداشته شود.

کلیدواژه‌ها: ابن حجر عسقلانی، علی بن الحکم، مصنفی الشیعه، شیوخ الشیعه، مشایخ الشیعه، ابن ابی طی، الکشی، النجاشی، الطوسی، ابن ابی عمیر، آقابزرگ، علامه امین و آیت الله سبحانی.

مقدمه

ابن حجر عسقلانی (ابن حجر العسقلانی) (۷۷۳ هـ - ۸۵۲ هـ) مؤلف مشهور اهل سنت، (م ۸۵۲) در یکی از تألیفات خود به نام «لسان المیزان» که درباره‌ی رجال ضعیف ۱ نگاشته است، مطالب ارزنده‌ای را از کتب شیعی نقل نموده است. این نقل‌ها؛ اگرچه در مواردی نقل به مضمون است؛ اما در موارد بسیاری، نقل قول‌های دقیقی است و می‌تواند در بازسازی کتب رجالی شیعی بسیار کمک کند؛ چه در

۱. فقد احتوی کتابی علی هذا علی ذکر الکتابین الرضایین المتممیین قاتلهم الله و علی الکتابین فی انهم سمعوا ولم یکنوا سمعوا ثم علی الکتابین فی لهجتهم لا فی الحدیث النبوی ثم علی المتروکین الهلکی الذین کثر خطاؤهم و ترک حدیثهم و لم یتمد علی روایتهم ثم علی الحفاظ الذین فی دینهم رقة و فی حدیثهم و هن ثم علی المحللین الضعفاء من قبل حفظهم فلهم و ارواهم و لم یترک حدیثهم بل یقبل ما روه فی الشواهد و الاعتبار بهم لا فی الأصول و الحلال و الحرام ثم علی المحللین الصادقین أو الشیوخ المستورین الذین لم یبلغوا رتبة الاثبات المقننین و ما لوردت منهم الا من وجدته فی کتاب أسماء الضعفاء ثم علی خلق کثیر من المجہولین ممن نص أبو حاتم الرازی علی انه مجهول أو قال غیره لا يعرف أو فیه جهالة أو غیر ذلك من العبارات التي تدل علی عدم شهرة الشیخ بالهدلیق إذ المجهول غیر محتج به ثم علی الثقات الاثبات الذین فیهم بدعة و الثقات الذین تکلم فیهم من لا یلتفت الی کلامه و لا الی تضعیفه لکونه نعتت فیه و خلاف الجمهور من أولى النقد و التحریر.

بازسازی آن دسته از کتبی که مفقود شده‌اند، یا آن دسته که باقی مانده و گاه به جهت-
های گوناگونی نواقصی پیدا کرده‌اند.

یکی از مصادر استفاده شده در لسان المیزان، کتابی رجالی است که ابن حجر از آن با
عناوینی مانند: کتاب رجال الشيعة - که به نظر می‌رسد، نام اصلی کتاب همین باشد -
مصنفی الشيعة، شیوخ الشيعة، مشایخ الشيعة^۱ یاد می‌کند و مؤلف آن را علی بن الحکم
معرفی می‌کند که با الفاضلی مانند: «ذکره»، قال و وصفه» آرای او را متذکر شده است.
اکنون به بررسی بیشتری درباره شخصیت وی و نقل‌های وی پرداخته می‌شود:

علی بن الحکم در کتاب‌های رجالی

- مرحوم نجاشی درباره‌ی وی می‌گوید: «علی بن الحکم بن الزبیر النخعی أبو الحسن
الضریر مولی له ابن عم يعرف بعلي بن جعفر بن الزبير روى عنه. له كتاب أخبرنا أبو
عبدالله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار قال: حدثنا سعد بن محمد

بن اسماعيل و أحمد بن أبي عبدالله عن علي بن الحکم بكتابه.» (در کتاب النخعی ص ۱۳۳)

- مرحوم شیخ نیز چنین می‌گوید: «علی بن الحکم الکوفی ثقة جلیل القدر. له کتاب. أخبرنا جماعة عن محمد
بن علی بن الحسن بن بابويه عن أبيه عن محمد بن أحمد بن هشام عن محمد بن السندي عن علي بن الحکم. ورواه
محمد بن علي عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله عن أحمد بن محمد عن علي بن الحکم. وأخبرنا ابن أبي
جيد عن ابن الوليد عن الصفار و أحمد بن إدريس و الحميري و محمد بن أحمد بن محمد عن علي بن الحکم،

(فهرست الطبرستان ص ۳۶۶)

عن الصفار و أحمد بن إدريس و الحميري و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحکم،

- مرحوم کشی نیز می‌گوید: «حمدويه عن محمد بن عيسى: أن علي بن الحکم هو ابن أخت داود بن النعمان يباع
الأنماط و هو نسيب بن الزبير الصيارفه و علي بن الحکم تلميذ ابن أبي عمير لقي من أصحاب أبي عبد الله (عليه السلام)

الکثير و هو مثل ابن فضال و ابن بکیر.» (در کتاب النخعی ص ۱۳۳)

بنابراین، نقل‌ها می‌توان نتیجه گرفت که به لحاظ طبقه، علی بن الحکم از شاگردان ابن ابی عمیر است و
ابن ابی عمیر طبق نقل نجاشی از امام رضا و امام کاظم (علیهم السلام) روایت کرده است.^۱

۱. احتمال دارد که مراد ابن حجر از ذکره فی شیوخ الشيعة یا فی ذکره فی مشایخ الشيعة همان نسبت «شیخیت» باشد، البته گاهی ابن حجر
چنین آورده است: ذکره من شیوخ الشيعة.

از طرفی کتابی در رجال به وی نسبت داده نشده است؛ اما برخی نقل‌های ابن حجر از علی بن الحکم را بر وی تطبیق داده‌اند. کتاب‌شناس شهیر آقابزرگ، در کتاب پر ارج خود «الذریعه» در معرفی این شخصیت چنین می‌آورد:

«رجال علی بن الحکم و هو علی بن الحکم بن الزبیر النخعی الأنباری، تلمیذ ابن ابی عمیر. و قد لقی من اصحاب ابی عبدالله الصادق (علیه السلام) جمعا کثیرا و هو مثل الحسن بن علی بن فضال و عبدالله بن بکیر کما ذکره الکشی (رجال الکشی، ص ۵۷، رقم ۱۰۷۶) و یروی عنه أحمد بن ابی عبدالله البرقی الذی توفی (۳۴) أو (۳۸) کما فی النجاشی و الفهرست ینقل عنه کثیرا فی لسان المیزان بعنوان ذکره علی بن الحکم فی رجال الشیعه». (الدریة الی نصاب النبیة ج ۱۱، ص ۱۳۵)

همین‌طور علامه سید محسن امین نیز در موارد متعددی بر همین باور است که چند نمونه از آن بیان می‌شود:

- «علی بن الحکم من قدماء اصحاب ینظر ان له کتابا فی الرجال ینقل عنه ابن حجر فی لسان المیزان فی احوال رجال

الشیعه». (مناج، ج ۱، ص ۱۵)

- «علی بن الحکم من اصحابنا کان له کتاب فی الرجال موجود کان عند ابن حجر و ینقل عنه فی کتابه کثیرا و مفقود

عند اصحابنا الذین الفوا فی الرجال». (مناج، ج ۲، ص ۳۳)

- «علی بن الحکم من اصحابنا له کتاب فی الرجال کان عند ابن حجر و ینقل عنه فی لسان المیزان کثیرا». (مناج، ج ۲، ص ۳۳)

من ۱۳۱

در میان معاصران "آیت‌الله سبحانی" نیز در کتاب «کلیات فی علم الرجال»، (مناج، ج ۲، ص ۳۳)

- «و الاسف کل الاسف ان هذا الکتاب و غیره مثل تاریخ ابن ابی طی و رجال علی بن الحکم و رجال الصدوق الق

وقف علی الجمیع ابن حجر فی عصره^۲ و نقل عنها فی کتابه لسان المیزان لم تصل الینا لعل الله یحدث بعد ذلك أمرا».

ظاهر این کلام نیز همانند نظرات و گفته‌های بالا، این کتاب را برای علی بن الحکم بن الزبیر ثابت

می‌کند؛ اما با کمی تأمل و با استفاده از نقل‌های ابن حجر می‌توان دریافت که این راوی برخلاف گفته-

های فوق علی بن الحکم معروف نیست و علی بن الحکم راوی از ابن عمیر کتاب رجالی

۱۳۲

حلیت
عقوبت
تخصیص
علی
صلوات

۱. (رجال نجاشی، رقم ۳۲۶، ص ۸۸۷) «لقی أبی الحسن موسی (علیه السلام) و سمع منه أحادیث کثیة فی بعضها قال: یا (۱) یا أحمد و روی عن

الرضا (علیه السلام)» و از طرفی شیخ علی بن الحکم را از اصحاب امام رضا و امام جواد (علیهما السلام) بر می‌شمرد. (آقای خوبی در معجم الرجال، ج ۱۱، ص ۳۹۵). راجع به وی بحث مفصلی کرده است.

۲. این‌که ابن حجر به تملی این آثار به‌طور مستقیم دست یافته باشد، بدون آن‌که رجالیون شیعه از آن نقل داشته باشند، بسیار بعید است و شاید ابن حجر در میان نوشته‌های همین لبی طری به آنها دست یافته باشد. ر. ک. فصل نامه ترقی، ربيع الثاني ۱۴۲۲، مقاله استاد ارجمند جناب

حجة الاسلام آقای جعفریان، ص ۱۱۲.

نداشته است و تعبیر «له کتاب» از نجاشی و شیخ منطبق بر کتاب رجال نیست؛ بلکه کتاب حدیثی مراد است. برای اثبات این ادعا، به ذکر نمونه‌هایی اکتفا می‌شود:

(۱) ابن حجر در ترجمه‌ی «الحسین بن احمد بن عامر» و «الحسین بن ابراهیم بن احمد المؤدب» و «الحسین بن ابراهیم القزوینی» می‌گوید:

• الحسین بن احمد بن عامر الأشعری (ج ۲، ص ۲۶۵)

«ذکره علی بن الحکم فی شیوخ الشیعه و قال کان من شیوخ أبی جعفر الکلینی صاحب کتاب الکافی و صنف الحسن کتاب طب أهل البيت و هو من خیر الکتب المصنفة فی هذا الفن روی عن عمه عبد الله بن عامر و غیره»

• الحسین بن ابراهیم بن احمد المؤدب (ج ۲، ص ۳۷۱)

«قال علی بن الحکم فی مشائخ الشیعه کان مقيما بقم و له کتاب فی الفرائض أجاد فيه و أخذ عنه أبو

جعفر محمد بن علی بن بابویه و کان یعظمه»

الحسین بن ابراهیم القزوینی (ج ۲، ص ۳۷۱)

ذکره علی بن الحکم فی شیوخ الشیعه.

این سه نفر به ترتیب مشایخ «فقه الاسلام کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی» هستند.

(۲) شاهد دیگر، کلامی است که ابن حجر از علی بن الحکم از الحسن بن محبوب نقل می‌کند؛ «الحارث بن محمد بن النعمان أبو محمد بن أبی جعفر البجلی الکوفی؛ قال علی بن الحکم کان أحد أئمة الحدیث فی معرفة حدیث أهل البيت قال و قال الحسن بن محبوب لقد رأیته حضر حلة محمد بن الحسن صاحب الرأی فما تکلم

حق استأذنه فلما قام الحارث قال أبی رجل لولا یعنی الرض قال و کان أفرض الناس عالما بالشعر کثیر الروایة» (لسان المیزان ج ۱، ص ۱۵۹ و ۱۶۰)

در حالی که علی بن الحکم در سندی از استبصار، در طبقه اساتید ابن محبوب آمده است:

«أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن علی بن الحکم عن موسی بن بکر عن زرارة عن أبی جعفر (ع) فی ملوک قذف

محصة حرة قال...» (الاستبصار، ج ۱، ص ۳۲۸)

همین طور در ترجمه‌ی جعفر بن مالک می‌آورد؛

«جعفر بن مالک روی عن حمدان بن منصور روی عنه محمد بن یحیی العطار ذکره علی بن الحکم فی رجال الشیعه و

أنفی علیه خیراً» (لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۲۱)

در حالی که محمد بن یحیی العطار از طبقه‌ی علی بن الحکم بن الزبیر متأخر است.



از این سو نمونه و موارد دیگر برمی آید که علی بن الحکم صاحب "رجال الشیعه" متأخر از شیخ طوسی و نجاشی می باشد، علاوه بر آن که از وی نقلی در منابع رجال شیعی مانند: «رجال نجاشی و فهرست و رجال شیخ نقلی» از وی نیامده است و بسیار بعید است که کتاب رجال علی بن الحکم به دست بزرگان رجالی ما نرسیده باشد و بعد از حدود دو قرن به ابن حجر رسیده باشد.

علی بن الحکم صاحب "رجال الشیعه" کیست؟

از آن جا که ابن حجر قسمت هایی از میراث شیعی حلب را^۱ در اختیار داشته به نظر می رسد که این میراث نیز از حلب باشد. قرائنی از کتاب "بغیة الطلب فی تاریخ حلب" تألیف ابن العدیم متوفی ۶۶۰ نشان می دهد که یکی از شخصیت های شیعی در قرن ششم علی بن الحکم است.^۲

در ترجمه‌ی الحسن بن ابراهیم بن سعید بن یحیی بن محمد بن الخشاب آمده است:

« أبو محمد الحلبي القاضي الرئيس الفاضل، أحد الصدور الذين تعقد عليهم الخناصر و تفض بذكر محاسنهم الدفاتر، كان لي صديقا صادقا... روى لنا عن القاضي محي الدين بن أبي المعالي محمد بن علي القرشي، قاضي دمشق و عن أبيه القاضي أبي طاهر و أبي زكري يحيى بن سعد بن ثابت بن المراوي و علي بن الحكم الحلبي و جماعة من شعراء عصره... فسألته عن مولده فقال: في ثامن عشر شهر رمضان من سنة ثمان و ستين و خمسمائة (۳۷) بحلب... أخبرنا القاضي أبو محمد الحسن بن أبي طاهر بن سعيد قال أخبرنا القاضي أبو المعالي محمد بن علي توفى أبو محمد الحسن بن ابراهيم بن الخشاب رحمه الله ليلة السبت الثامن عشر من جمادى الآخرة من سنة ثمان و أربعين و ستمائة (۶۴) بحلب.»

بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۵، ص ۲۲۲۷

همین طور در ترجمه‌ی أحمد بن منیر بن أحمد بن مفلح أبو الحسن الاطرابلسی (متوفی ۵۲۸) ^۳

۱. مانند رجال ابن ابی طی که در مولود متعددی از وی نقل می کند.

۲. البته این که کتبی به عنوان رجال برای وی مطرح باشد، ثبت نیست و صرف یک احتمال است.

۳. بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۳، ص ۱۱۵۵، مطالبی تند راجع وی دارد که حاکی از تنبیح وی است: «أنا أبو المعالي سليمان بن الفضل بن الحسين بن إبراهيم بن سليمان بن البانيسي قال: أخبرنا الحافظ أبو القاسم علي بن الحسن قال: أحمد بن منير بن أحمد بن مفلح أبو الحسين الأطرابلسي الشاعر الرفاء، كان أبوه منير منشدا ينشد أشعار العوني في أسواق أطرابلس و يفتي و نشأ أبو الحسن و حفظ القرآن و تعلم اللغة و الأدب و قال الشعر و قدم دمشق فسكنها و كان رافضيا حبيبا، يعتقد مذهب الإلمية و كان هجاء بحيث اللسان يكثر القحش في شعره و يستعمل فيه الألفاظ العامية، فلما كثر الهجوم منه سجنه بوري بن طغتكين أمير دمشق في السجن مدة و عزم على قطع لسانه، فاستوبه يوسف بن فيروز (ص ۷۵-ظ) الحاجب جرمه فوجه له و أمر ببقيه من دمشق، فلما ولي ابنه إسماعيل بن بوري عاد إلى دمشق، ثم تغير عليه إسماعيل لشي بلغه عنه فطلبه و أراد صلبه، فهرب و اختفى في مسجد الوزير أياما ثم خرج عن دمشق و لحق بالبلاد الشمالية يتقل من حملة إلى شيزر و إلى حلب ثم قدم دمشق آخر قدمه في صحبة الملك العادل لما حاصر دمشق الحاصر الثاني، فلما استقر الصلح دخل البلد و رجع مع العسكر إلى حلب فمات، رأيت غير مرة و لم أسمع منه»



ابو الطریلسی مولود ۳۷۳ و متوفی ۵۶۸ هـ) الشاعر آمده است: «كان كثير التردد الى حلب والإقامة بها، و بها مات و مدح ملوكها و أمراءها و رؤسائها و كان شاعراً مجيداً حسن النظم... روى عنه الأمير أبو الفضل اسماعيل بن سلطان بن منقذ و ابو عبد الله الحسن بن علي بن عبد الله بن أبي جرادة و الخطيب أبو طاهر هاشم بن أحمد بن هاشم و أبو القاسم عيسى بن أحمد المعروف بالحينك و كان رواية شعره و ابنه الوجيه بن الحينك و علي بن الحكم الحلبي... أخبرنا أبو منصور عبد الرحمن بن محمد قال: أخبرنا علي بن الحسن قال: حدثنا أبو محمد عبد الله بن أحمد الحميري الكاتب أن مولد أبي الحسين بن منير سنة ثلاث و تسعين و أربع مائة (۴۹۳) بأطرابلس» (بمنه الطلب في تاريخ حلب، ج ۳، ص ۱۵۲) و در جایی دیگر در ترجمه «خالد بن محمد بن نصر بن صغير بن خالد القيسراني» آمده است:

«سمعت القاضي بهاء الدين بآ محمد الحسن بن ابراهيم بن سعيد بن الخشاب الحلبي يقول: سمعت الرئيس أبا الحسن علي بن الحكم الحلبي يقول: سمعت أبا عبد الله محمد بن نصير القيسراني (۴۷۸ - ۵۴۸ هـ) (مستدرکات اعيان الشيعة، ج ۱، ص ۱۶) يقول: قد أبطأ على أمر خالد؛ یعنی، ولده» (بمنه الطلب في تاريخ حلب، ج ۷، ص ۳۰۹)

همان طور که دیده می شود، الحسن بن ابراهيم بن سعيد الخشاب (۵۶۸ - ۶۴۸ هـ) از علی بن الحكم الحلبي نقل دارد و علی بن الحكم از أحمد بن منير (۴۹۳ - ۵۴۸ هـ) و محمد القيسراني (۴۷۸ - ۵۴۸ هـ) نقل کرده است؛ یعنی، حیات علی بن الحكم به طور تقریبی در فاصله ی سال های قبل از ۵۴۸ و بعد از ۵۸۰ بوده است، پس به طور قطع مراد ابن حجر، علی بن الحكم الحلبي است.

هم چنین گفتنی است، این فرضیه که نقل های رجالی ابن حجر درباره ی علمای شیعی از کتاب ابن ابی طی الحلبي ۱ (م ۶۳۰ هـ) بوده که در اختیار ابن حجر قرار داشته، تقویت می شود؛ زیرا ابن حجر نقل های بسیاری از کتاب ابن ابی طی الحلبي دارد، این فرض نیز می تواند مؤیدی بر کلام ما باشد؛ اما بهر حال این نکته جای دقت فراوانی دارد و محتاج قراین شفاف تری است.

شیعه بودن مؤلف

از نظر مذهب، این شخصیت از رجال یون شیعه است. بر این ادعا می توان شواهدی اقامه کرد: به عنوان نمونه اصل تألیف درباره ی روات شیعی است و نقل های ابن حجر از وی در دامنه شخصیت های

۱. آقا بزرگ در الذریعه ابن ابی طی حمیده الحلبي المتوفی ۶۳۰ کما فی بعض مواضع کشف الظنون توفی ۶۵۸ توفی ج ۹،



شیعی است، هم‌چنین علی بن الحکم از الفاظی مانند: عند العامة، مشایخ الشیعه و... استفاده کرده است که کاربرد آن در کتب رجالی شیعی نظیر دارد.

تطابق نقل‌ها با کتب رجالی

در تطابق آرای وی با کتب رجالی می‌توان چنین نتیجه گرفت که برخی از راویان مذکور به‌وسیله‌ی علی بن الحکم در لسان المیزان، در کتب رجالی شیعی یافت نمی‌شوند؛ اما در پاره‌ای موارد نام آن‌ها، بدون وصف یا با وصفی غیر از آنچه علی بن الحکم بیان کرده است، می‌توان یافت. برای نمونه:

۱) الحسین بن أحمد بن الحسن الرقی، الحسین بن أحمد بن عیسی الکوفی و... کسانی هستند که با نام ایشان در کتب رجالی ما نیامده است؛ اما علی بن الحکم متذکر شده است.

۲) حسان بن ابی عیسی الصیقلی؛ نامی از وی در کتب رجالی نیامده است؛ اما علی بن الحکم درباره‌اش می‌گوید: "روی عنه الحسن بن علی بن یقظین حدیثاً کثیراً" هم‌چنین در وسائل الشیعه روایتی آمده است که ظاهراً از وی می‌باشد؛ «فی کتاب طب الاثمه عن ابی عبد الله الخواتیمی عن ابن یقظین عن حسان الصیقل عن ابی بصیر قال شکا رجل الی ابی عبد الله الصادق وجع السرة فقال له...».

۳) ابراهیم بن سنان تنها در رجال برقی نام وی آمده است. (رجال برقی، ص ۲۸)

۴) ثمامه بن عمرو أبوسعید الأذری العطار الکوفی که تنها در رجال شیخ (ص ۱۷۳، رقم ۱۰۶۰ - ۱۱۵) به‌عنوان وی اشاره‌ای شده است، در حالی که علی بن الحکم وی را چنین توصیف می‌کند: "کان ورعاً عالماً مهیباً".

۵) الحسن بن عباس بن جریر العامری الحریشی الرازی؛

ابن حجر پس از ذکر کلام نجاشی، ۱ قول علی بن الحکم نسبت به وی را چنین بیان می‌کند: «لا یوثق بحدیثه و قیل أنه کان یضع الحدیث» نجاشی نیز وی را چنین وصف می‌کند: «ضعیف جداً. له کتاب إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر و هو کتاب ردی الحدیث مضطرب الألفاظ.» (رجال النجاشی، ص ۶۱) و ابن الغضائری نیز درباره‌ی او می‌گوید: «ضعیف. روی عن ابی جعفر الثانی (رضی الله عنه) فضل إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر کتاباً مصنفاً فاسد الألفاظ تشهد مخایله علی أنه موضوع و هذا الرجل لا یلتفت إلیه و لا یکتب

حدیثه.» (ابن الغضائری، ص ۵۲)



فصلنامه
علی
خاصی
حدیث

۱. (لسان المیزان، ابن حجر، ج ۲، ص ۲۱۶ - ۲۱۷). الحسن بن عباس جریر العامری الحریشی الرازی روی عن ابی جعفر الباقر و عنه أبو عبد الله الرقی و أحمد بن إسحاق بن سعد و سهل بن زیاد و محمد بن أحمد بن عیسی الأشعری ذکروه ابن النجاشی فی مصنفی الاملیة و قال هو ضعیف جداً له کتاب فی فضل إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر و هو ردی الحدیث مضطرب الألفاظ لا یوثق به و قال علی بن الحکم ضعیف لا یوثق بحدیثه و قیل إنه کان یضع الحدیث.

محتوای کتاب «رجال الشیعه»

۱. ابراهیم بن سنان
ذکره علی بن الحکم فی رجال الشیعه من أصحاب جعفر الصادق (علیه السلام). (ج ۱، ص ۶۶)
۲. ابراهیم بن عبد العزیز
روی عن ابيه و جعفر الصادق (علیه السلام) ذکره علی بن الحکم فی رجال الشیعه. (ج ۱، ص ۷۸)
۳. ابراهیم بن عیسی بن ایوب الخزار الکوفی
ذکره علی بن الحکم و غیره فی رجال الشیعه و قال روی عن الصادق و کاظم (علیهما السلام)
روی عنه الحسن بن محبوب و غیره (ج ۱، ص ۸۸)
۴. إسحاق بن یحیی بن القاسم
ذکره علی بن الحکم فی رجال الشیعه ممن روی عن ابي جعفر (علیه السلام). (ج ۱، ص ۳۸۱)
۵. إسماعیل بن جابر بن یزید الجعفی
قال علی بن الحکم کان من نجباء اصحاب الباقر و روی عن الصادق و کاظم (علیهما السلام)
روی عنه عثمان بن عیسی و منصور بن یونس و غیرهما (ج ۱، ص ۳۹۷)
۶. توبة القداحی من آل میمون القداح
قال علی بن الحکم روی عنه سفیان بن عیینه و هو مکی کان ینخرج فی التجاره إلى الیمن (ج ۱، ص ۶۷۲)
۷. ثابت بن زائدة العجلی الکوفی
قال علی بن الحکم کان حافظاً زاهداً قیل الحدیث (ج ۲، ص ۷۶)
۸. ثابت الأسدی
قال علی بن الحکم کان جعفر (علیه السلام) ینثی علیه خیراً (ج ۱، ص ۸۱)
۹. ثابت مولى جریر
قال علی ابن الحکم کان کوفیا دخل علی جعفر (علیه السلام) فصحبه و أسند عنه (ج ۱، ص ۸۱)
۱۰. ثمامة بن عمرو الأزدی العطار الکوفی
قال علی بن الحکم کان ورعاً عالماً مهیباً وله قصة مع سفیان الثوری (ج ۲، ص ۸۳)
۱۱. ثور بن عمر بن عبدالله المرهبی الکوفی
أثنى علیه علی بن الحکم (ج ۱، ص ۸۵)
۱۲. جابر بن أبخر النخعی و یقال الصهبانی کوفی
قال علی بن الحکم کان عابداً ثقةً روی عن جعفر صادق (علیه السلام). (ج ۱، ص ۸۶)
۱۳. جابر بن أعصم المكفوف

- قال علي بن الحكم كان شديداً على الناصبية (ج ٢، ص ٨٤)
١٤. جابر بن سميرة بالتضغير الأسدي الكوفي
- قال علي بن الحكم كان صدوقاً متشدداً في الرواية جمع حديثه في كتاب فكان لا يحدث الا منه (ج ٢، ص ٨٧)
١٥. الجارود بن السري التميمي السعدي الحماني الكوفي
- قال علي بن الحكم كان ثقة روى عن الصادق (عليه السلام) (ج ٢، ص ٨٨)
١٦. الجارود بن عمرو الطائي الكوفي
- قال علي بن الحكم كان ورعاً ثقة له أحاديث جيدة روى عنه صفوان بن يحيى مات سنة خمس و خمسين و مائة (ج ٢، ص ٩٠)
١٧. جلبة بن حبان بن أبجر الكوفي
- قال علي بن الحكم روى عن جعفر صادق (عليه السلام) و جميل بن دراج روى عنه ابنه عبدالله (ج ٢، ص ٩٥)
١٨. جبير بن حفص العثماني أبو الأسود الكوفي
- قال علي بن الحكم كان من أورع الناس روى عن جعفر الصادق (عليه السلام) (ج ١، ص ٩٨)
١٩. جعفر بن عثمان الرواسي الكوفي الأحول
- قال علي بن الحكم كان جليل القدر عند العامة (ج ٢، ص ١١٩)
٢٠. جعفر بن مالك
- ذكره علي بن الحكم في رجال الشيعة و أثنى عليه خيراً (ج ٢، ص ١٢١)
٢١. جعفر بن المثنى آخر مولى ثقيف
- قال علي بن الحكم لم يكن مريضاً (ج ٢، ص ١٢٢، ١٢١)
٢٢. جعفر بن محمد بن جعفر بن موسى بن قولويه أبو القاسم القمي الشيعي
- ذكره علي بن الحكم في شيوخ الشيعة (ج ١، ص ١٢٥)
٢٣. جعفر بن معروف الكشي
- قال علي ابن الحكم كان كثير العبادة (ج ٢، ص ١٢٨)
٢٤. جناب بن عائد الأسدي
- وثقه علي بن الحكم (ج ٢، ص ١٢٨)
٢٥. جناب بن نسطاس الجنبى
- ذكره علي بن الحكم (ج ٢، ص ١٢٨)
٢٦. جناح بن زربي أبو سعيد الأشعري

قال علي بن الحكم كان عارفاً بالتفسير صحب جعفر الصادق (عليه السلام) وروى عنه و كان صالحاً واسع الفضل ثقة (ج ٢، ص ١٣٩)

٢٧. جهم بن جميل الرواسي

قال علي بن الحكم الصحيح في اسم أبيه حميد (ج ٢، ص ١٢٢)

٢٨. جهم بن صالح التميمي الكوفي

قال علي بن الحكم كان جهم بن صالح أعرف الناس بحديث الكوفة و برجال جعفر صادق (عليه السلام) و صنف كتاباً فيما وضع على أهل البيت أجاد فيه (ج ٢، ص ١٣٢)

٢٩. الحارث بن محمد بن النعمان أبو محمد بن أبي جعفر البجلي الكوفي

قال علي بن الحكم كان أحد أئمة الحديث في معرفة حديث أهل البيت (عليهم السلام) قال و قال الحسن بن محبوب لقد رأيتُه حضر حلقة محمد بن الحسن صاحب الرأي فما تكلم حتى استأذنه فلما قام الحارث قال: «أى رجل لولا» يعني الراض، قال: «و كان أفرض الناس

عالماً بالشعر كثير الرواية» (ج ٢، ص ١٥٩ و ١٦٠)

٣٠. الحارث بن المغيرة النضري - بالنون - البصري - بالموحدة -

و قال علي بن الحكم كان من أروع الناس، روى عنه ثعلبة بن ميمون و هشام بن سالم و جعفر بن بشر

و آخرون (ج ٢، ص ١٦٠)

٣١. حازم بن إبراهيم الجبلي مصري

ذكره علي بن الحكم كان ثقة كثير العبادة (ج ١، ص ١٦١ و ١٦٢)

٣٢. حبيب بن المعلى الخثعمي

قال علي بن الحكم كان صحيح الرواية معروفاً بالدين و الخير يروى عنه ابن أبي عمير (ج ٢، ص ١٧٣)

٣٣. حديد بن حكيم الأزدي

قال علي بن الحكم كان عظيم القدر وافر العقل مشهوراً بالفضل روى عنه ابنه علي و غيره (ج ٢، ص ١٨١)

٣٤. حسان بن عبد الله الجعفي

و قال علي بن الحكم كان ثقة قليل الحديث (ج ٢، ص ١٨٨)

٣٥. حسان بن أبي عيسى الصيقلبي

ذكره علي بن الحكم في مصنفى الشيعة و قال روى عنه الحسن بن علي بن يقطين حديثاً كثيراً (ج ٢، ص ١٨٨)

٣٦. حسان بن مهران الجمال أخو صفوان كوفي كاهلي و يقال غنوي

ذكره و علي بن الحكم في رجال الشيعة (ج ٢، ص ١٩٠)

٣٧. الحسن بن أبجر



قال علي بن الحكم أسند عن جعفر الصادق (عليه السلام) و هو قليل الحديث (ج ٢، ص ١٩٠)

٣٨. الحسن بن عباس بن جرير العامري الحرشي الرازي

قال علي بن الحكم ضعيف لا يوثق بحديثه و قيل إنه كان يضع الحديث (ج ٢، ص ٢١٦)

٣٩. الحسن بن عديس الكوفي

قال علي بن الحكم كان من مشايخ الشيعة و كان مخلطاً (ج ١، ص ٢٢٠)

٤٠. الحسن بن علي بن صالح بن سعيد الجوهري

قال علي بن الحكم كان يذاكر بعشرة آلاف حديث (ج ٢، ص ٢٢٥)

٤١. الحسين بن أحمد بن أبان القمي

ذكره علي بن الحكم في شيوخ الشيعة و قال له تصنيف في مناقب علي و كان شيخاً فاضلاً من مشايخ

الامامية جليل القدر ضخم المنزلة نزل عنده الحسين بن سعيد بن حماد بن سعيد بن مهرا ن فأقام في

جواره في قم حتى مات رحمه تعالى (ج ٢، ص ٢٦١)

٤٢. الحسين بن أحمد بن الحسن الرقي

ذكره علي بن الحكم في شيوخ الشيعة و قال شيخ صالح كثير الحديث روى عن عمه علي (ج ٢، ص ٢٦٢)

٤٣. الحسين بن أحمد بن عامر الأشعري

ذكره علي بن الحكم في شيوخ الشيعة و قال كان من شيوخ أبي جعفر الكليني صاحب كتاب الكافي

وصنف الحسين كتاب طب أهل البيت و هو من خير الكتب المصنفة في هذا الفن روى عن عمه عبدالله

بن عامر و غيره (ج ٢، ص ٢٦٥)

٤٤. الحسين بن أحمد بن عيسى الكوفي

ذكره علي بن الحكم و قال كان من مصنفى الشيعة له كتاب الحقائق روى عنه محمد بن العباس بن

علي بن مروان (ج ٢، ص ٢٨١)

٤٥. الحسين بن إبراهيم بن أحمد المؤدب

قال علي بن الحكم في مشايخ الشيعة كان مقيماً بقم و له كتاب في الفرائض أجاد فيه و اخذ عنه أبو

جعفر محمد بن علي بن بابويه و كان يعظمه (ج ١، ص ٢٧٢)

٤٦. الحسين بن إبراهيم القزويني

ذكره علي بن الحكم في شيوخ الشيعة (ج ١، ص ٢٧٢)

٤٧. الحسين بن سهل بن نوح

قد وصفه علي بن الحكم بالحفظ والدين (ج ٢، ص ٢٨٦)

٤٨. الحسين بن شداد بن رشيد الجعفي الكوفي.

قال علي بن الحكم كان أفقه أهل الكوفة و أصحابهم حديثاً (ج ١، ص ٢٨٧)

١٣٣

حديث
علي
مختص
علي
فصلها

نتیجه

علی بن الحکم شخصیتی دانشمند در زمینه‌ی علم رجال بوده است. اثر رجالی وی اگرچه به‌دست ما نرسیده است و حتی گزارش کاملی از آن در منابع اهل سنت ارایه نشده است؛ اما اطلاعات موجود در همین اندک گزارش و مقایسه‌ی آن با نظرات مرحوم شیخ طوسی و مرحوم نجاشی می‌تواند بر اهمیت آن بیافزاید.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

کتاب‌نامه

- ابن العديم (م ت ۶۶۰)، بغية الطلب في تاريخ حلب، ۱۲ جلد، بيروت، ناشر دار الفكر، بی تا.
- ابن الغضائري، احمد بن حسين، رجال ابن غضائري، اسماعيليان، قم، ۱۳۶۴ هـ ق.
- ابن حجر، لسان الميزان، ۷ جلد، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱.
- آقابزرگ طهرانی، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ۲۵ جلد، قم، اسماعيليان؛ تهران، کتاب‌خانه اسلاميه، ۱۴۰۸ هـ ق.
- البرقي، احمد بن محمد بن خالد (ف ۲۷۴)، رجال برقي، اجلد، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۳ هـ ق.
- النخوي، السيد ابوالقاسم، معجم الرجال، قم، مركز نشر آثار شيعة، وزيری، ۲۳ جلد.
- السيد حسن الامين، مستدرکات أعيان الشيعة، ۷ جلد، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ هـ ق.
- الشيخ الطوسي، الإستبصار، ۴ جلد، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۹۰ هـ ق.
- الطوسي، فهرست الطوسي، نجف، المكتبة المرتضوية.
- فصل‌نامه تراثنا (ربيع الثاني ۱۴۲۲).
- الکشي (نیمه قرن چهارم)، اختيار معرفة الرجال، اجلد، مشهد، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۸ هـ.
- نجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ هـ ق.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی